**د - در بیان مجازاتهای منصوصه [[1]](#footnote-1)**

در کتاب اقدس است قوله جلّ و عزّ : اِیّاکُم اَنْ تأخذَکم الرّأفةُ فی دینِ اللّهِ اعْلموُ اما اُمرتُمْ به مِن لدنْ مشفقٍ رحیم اِنّا ربّینا کُم بسیاطِ الحکمةِ و الاحکامِ حفظاً لانفسِکم و ارتفاعاً لمقاماتِکم کما یُربّیِ الآباءُ ابنائَهم لَعَمْری لو تعرفونَ ما اردْناهُ لکم مِن اوامرِنا لمقدّسةِ لتفدونَ ارواحَکم لِهذا الامرِ المقدّسِ العزیزِ المنیعِ .

و در لوح اشراقات است قوله الاعلی : اشراق سیم اجراء حدود است چه که سبب اول است از برای حیات عالم ، آسمان حکمت الهی به دو نیّر روشن و منیر مشورت و شفقت و خیمۀ نظم عالم به دو ستون برپا مجازات و مکافات .

و از حضرت عبدالبهاء در مفاوضات است قوله العزیز : هیئت اجتماعیّه حق قصاص را از مجرم دارند و این قصاص بجهت ردع و منع است تا شخص دیگر متجاسر بر آن جرم نشود و این قصاص مدافعه از حقوق بشر است ... اگر مجرمین بکلی معاف باشند نظم عالم بهم خورد لهذا قصاص از لوازم ضروریّه هیئت اجتماعیه است ولی شخص مظلوم متعدّی علیه حق انتقام ندارد بلکه عفو و سماح لازم و این سزاوار عالم انسان است اما هیئت اجتماعیّه باید ظالم و قاتل و ضارب را قصاص نماید تا ردع و منع حاصل گردد که دیگران متجاسر بجرم نشوند ولی اصل این است که باید نفوس را چنان تربیت نمود که جرم واقع نگردد ... امّا هیئت اجتماعیّه حق محافظه و حق مدافعه دارد زیرا هیئت اجتماعیّه بغضی ندارد عداوتی به قاتل ندارد امّا مجرّد بجهت حفظ دیگران قاتل را حبس کند یا قصاص نماید که دیگران مخفوظ مانند نه مقصد انتقام از اوست مقصود قصاص است که بآن قصاص هیئت اجتماعیّه محفوظ ماند والّا وارث مقتول عفو کند و هیئت اجتماعیّه عفو نماید و از دو جهت بالعکس معامله شود نفوس ستمکار متّصل تعدّی کنند و در هر آنی قتلی واقع گردد بلکه نفوسی درنده مانند گرگ اغنام الهی را محو نمایند هیئت اجتماعیّه نیّت بد در قصاص ندارد غرض ندارد تشفّی صدر نخواهد بلکه مقصدش از قصاص محافظۀ دیگران است که دیگری مرتکب این امر قبیح نشود ... باری قوام هیئت اجتماعیّه بعدل است نه عفو ... یک چیز دیگر باقی ماند و آن این است که هیئت اجتماعیه همواره شب و روز بترتیب قوانین مجازات و تهیّه و تدارک آلات و ادوات قصاص پردازند زندان مهیا کنند و کند و زنجیر تدارک نمایند و محلّ نفی و سرگون و زجر و مشقّت گوناگون ترتیب دهند تا باین وسائط اصحاب جرم را تربیت نمایند و حال آنکه این وسائط سبب تضییع اخلاق گردد و تبدیل احوال بلکه هیئت اجتماعیّه باید شب و روز بکوشد و منتهای همّت را بگمارد که نفوس تربیت شوند و روز بروز ترقّی کنند و در علوم و معارف توسّع یابند و کسب فضائل نمایند و تحصیل آداب کنند و از درندگی اجتناب نمایند تا جرم واقع نشود و حال بالعکس هیئت اجتماعیّه همیشه در فکر آنند که قوانین مجازات را محکم نمایند و اسباب قصاص مهیّا سازند آلات قتل و جرح و محلّ حبس و نفی تدارک کنند منتظر و قوع جرم شوند این بسیار سوء تأثیر نماید اما اگر در تربیت عموم کوشد تا روز بروز معارف و علوم زیاد شود ادراکات تزاید نماید احساسات ترقّی کند اخلاق تعدیل شود عادات تحسین گردد خلاصه در جمیع مراتب کمالات ترقّی حاصل گردد وقوع جرم کم شود ... پس هیئت اجتماعیّه باید در فکر این باشد که جرم واقع نشود نه در فکر این باشد که اجرام را باید مجازات شدیده نمود و قصاص صارم مجری داشت .

و قوله الجمیل : امّا الهیّون برآنند که حسن و قبح اشیاء معقول است و مشروع بناءً علیه ممنوعیّت قتل و سرقت و خیانت و کذب و نفاق و ظلم معقول است هر عقلی این را ادراک میکند که قتل ، سرقت ، خیانت ، کذب ، نفاق ، ظلم کل قبیح و مذوم است ... و چون ارتکاب نماید موأخذ است خواه صیت نبوّت باو برسد خواه نرسد .

1. خداوند بود با عقل بنده اندر اعمال صواب و کتاب و سنت . [↑](#footnote-ref-1)